

گام اول اصلاح‌طلبی همدلی با مردم و دفاع از حق آنهاست

آذر منصوری در نهمین کنگره حزب اتحاد ملت با حضور چهره‌های برجسته اصلاح‌طلب مطرح کرد

گروه سیاسی | نهمین مجمع عمومی حزب اتحاد ملت ایران اسلامی صبح روز پنجشنبه با حضور اعضای این حزب و شخصیت‌های سرشناس سیاسی برگزار شد. چهره‌های شاخص اصلاح‌طلبی چون معصومه ابتکار، الیاس حضرتی، حسن رسولی، فرج کمیجانی، سعید شریعتی، هادی خانیک، علی شکوری‌راد، شهاب طباطبایی، محمد توسلی، محسن آرمین، فیض‌الله عرب‌سرخی، ساجده عرب‌سرخی، غلامرضا ظریفیان،

کیوان صمیمی، مرتضیٰ مبلغ،
محمود الویری، عباس آخوندی،
آذر منصوری، محمود صادقی،
عبدالله رمضانزاده، فخرالسادات
محتشمی‌پور، حسین کاشفی،
علی‌محمد حاضری، محمد سالاری،
حسین نقاشی و ... در این کنگره
حضور داشتند.



آذر منصوی، دبیر کل حزب اتحاد ملت ایران اسلامی و رییس جبهه اصلاحات در بخشی از سخنانش در نهمین کنگره این حزب گفت: «در حالی نهمین کنگره حزب اتحاد را برگزار می‌کنیم که تحولات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی و بیش و پیش از آن تغییرات همه‌جانبه جهانی با سرعتی شتابان رقم می‌خورد. جهان امروز جهان تغییرات پرشتاب و تحولات و نوآوری‌های سریع در همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی است. جامعه ما هم به عنوان بخشی از این جهان تغییر و چه بسا با سرعتی بیش از متوسط جهانی، شاهد و در معرض چنین تحول روزافزونی بوده و هست. از پیشرفتهای تکنولوژی و فناوری و ارتباطات گرفته تا تغییرات فرهنگی

و اجتماعي و سياسي نتیجه اینکه در نگاه و نظر نسل جوان آنقدر دستخوش تغییر و تفاوت شده که آنها را با باورها و ارزشهای نسلهای پیش از خود بیگانه ساخته است. مهم‌ترین بعد این تحول گذار از جامعه تکلیف‌محور به جامعه حق‌محور است. این جامعه بیش و پیش از اینکه خود را در قید و بندهای تکلیف و عمل به آن ببیند، در جستجوی اعاده حق خود است. حقوقی که تصور می‌کند یا نادیده گرفته شده یا اینکه با تبعیض و بی‌عدالتی و زیر پا گذاشتن حقوق انسانی او نقض شده است. به همین دلیل ما و همه کنشگران سیاسی و اجتماعی و مدنی و اهل قلم و از همه مهم‌تر زمامداران کشور باید این تحول را درک کنیم و آن را بپذیریم، محترم بدانیم و عملاً به آن پاسخی شایسته بدهیم.» منسوری در ادامه در بیان ضرورت‌های اصلاح و تغییر تاکید کرد: «جامعه امروز حق خود می‌داند نظام حاکم بر خود را انتخاب و اراده خود را در همه شوون کشور حاکم کند. این جامعه نسلهای پیش از خود را که امروز در مصدر امور هستند، مخاطب قرار داده و سوال می‌کند، چرا حقی که برای خود قائل بودید برای ما قائل نیستید؟ اگر بنای به رسمیت شناختن این حق نبود، اساساً چه نیازی به انقلاب و تغییر نظام بود؟ جامعه امروز حق دارد خواهان تاثیر نهادهای انتخابی برآمده از انتخابات آزاد باشد که تبلور اراده واقعی و تحقق بخش حاکمیت اراده مردم و مانع تضییع مستمر حقوق ملت باشد. واقعیت آن است که تداوم روند نظارت استصوابی از يك سو و دخالت و اعمال قدرت نهادهای غیر انتخابی بر نهادهای برآمده از رای مردم در يك روند فرسایشی صاحبان اصلی صندوق رای را نسبت به چنین انتخاباتی بدبین و بیگانه کرده است، به نحوی که امروز با بیشترین فاصله جامعه با صندوق رای و انتخابات مواجه هستیم. داشتن يك زندگی آبرومندانه حق جامعه‌ای است که همواره در بزنگاه‌های سخت صبوری پیشه کرده است. این جامعه نباید هر روز نگران آن باشد که آیا سفره فردایش از سفره امروزش کوچک‌تر خواهد شد یا نه؟ با تورم ۴۰ درصد و افزایش دستمزد ۲۰ درصدی طبیعی است که حقوق و دستمزد اقشاری مانند کارگران و معلمان و بازنشسته‌ها و صنوف مختلف و اقشار حقوق‌بگیر کفاف خرج یومیه‌شان را نمی‌دهد و رشد درصد جمعیت زیر خط فقر کشور گویای آن است که با چه سرعتی طبقه متوسط ایران در حال فقیر شدن و لشکر فقرا در حال فقیرتر شدن است.»



منصوري يادآور شد: «جامعه امروز حق خود مي‌داند سبک زندگي خود را انتخاب کند که سالهاست يکي از نمادهاي بارز آن را در موضوع انتخاب پوشش زنان ايران مي‌بينيم. اصرار بر پذيرش يك نوع سبک زندگي آن‌هم در جامعه متکثر ايران يکي از دلايل افزايش شکاف بين حاکميت و ملت است. چه بسا به همان ميزان که حاکميت اصرار بر نمادهاي منتسب به خود آن هم با هزينه کردن از دين داشته باشد، جامعه نيز به اشکال مختلف دست به مقاومت مي‌زند، نمي‌شود وقتی حقوق بنيادين زنان ايران نادیده گرفته مي‌شود، از آنها انتظار داشت به سبکي از پوشش تن دهند که مطلوب حاکميت است. شادي حق جامعه ايران است، شادي مقدمه آرامش و اميد به زندگي است.» منصورى در ادامه يادآور شد: «استقبال فراگير از برخي تصاويري که خالق شادي هستند، نشان مي‌دهد جامعه ايران تا چه حد در جست‌وجوي روزنه‌هايي براي شاد بودن است. شادي يکي از عناصر بي‌بديل همبستگي و پيوستگي جامعه نيز هست. جامعه امروز ما حق خود مي‌داند که شاهد ارج نهادن و بر صدر بودن فرهيختگان و نخبگان و برجستگان علمي کشور باشد. مردم ايران امروز حق خود مي‌دانند که خواهان جامعه‌اي باشند که در آن نخبگان و کارشناسان مجرب و تکنوکرات‌هاي دلسوز ارج ببينند و از منزلتي والا برخوردار باشند و با آسودگي بتوانند به کشورشان خدمت کنند نه آنکه با قدرناشناسي‌ها و تحقيرها مجبور به جلای وطن شوند و در کشورهای ديگر قدر و منزلت يابند و حتي به انحاي مختلف ترغيب به مهاجرت شوند. جامعه امروز حق خود مي‌داند دانشگاهي پويا و سرزنده داشته باشد که عالمان و نخبگان سکاندار آن باشند نه آنکه نيروهاي بي‌توجه به علم و دانش در محيط‌هاي دانشگاهي حاکم باشند و استاد و دانشجو و جويندگان علم و دانش را از دانشگاه دور کنند. جامعه امروز حق خود مي‌داند که داراي فضاي هنري زنده و نقاد و تعالي‌بخش باشد که در آن هنرمندان مورد

احترام باشند و ترغیب و تشویق شوند. مردم ما حق خود می‌دانند که خواهان جامعه‌ای شفاف و پرسشگر باشند که همه اصحاب قدرت در حوزه اختیارات خود به جامعه پاسخگو باشند تا مردم بتوانند در مورد عملکرد آنها قضاوت کنند و تصمیم بگیرند. ریزش مخاطبان برای رسانه‌ای که باید ملی باشد، اما غیر ملی عمل می‌کند، نشان می‌دهد اصرار بر این رویه نه تنها موجب بازدارندگی جامعه از دسترسی به این تکنولوژی و فناوری‌های جدید نمی‌شود، بلکه با تشدید بی‌اعتمادی‌ها، بر شکاف بین حاکمیت و ملت خواهد افزود.

رییس جبهه اصلاحات یادآور شد: «جامعه امروز حق خود می‌داند نحوه تعامل کشورش با جهان را تعیین کند و به تنش‌های خسارت‌بار با بخش قابل توجهی از جهان که باعث فقر و تنگدستی گسترده و عمیق در کشور شده، خاتمه دهد. سیاست خارجی نامتوازن و نگاه یک‌سویه به شرق و نیز نادیده گرفتن ظرفیت‌های دیپلماتیک در جهان امروز و غلبه میدان بر دیپلماسی موجب شده است که جامعه ایران از یک سیاست خارجی عزتمند محروم شود. این جامعه حق خود می‌داند که سیاست خارجی ایران نیز در مسیری قرار گیرد که از همه ظرفیت‌های جهان برای کمک به رشد اقتصاد ایران، سرمایه‌گذاری و کاهش نرخ بیکاری و فقر و توسعه همه‌جانبه و ارتقای جایگاه ایران استفاده کند. علاوه بر آنچه گفته شد جامعه امروز ایران از بحران‌ها و چالش‌های کهنه و نو رنج می‌برد. از نقض عدالت آموزشی گرفته تا بحران آب و آلودگی هوا، بحران‌های زیست‌محیطی و ریزگردها و خشک شدن دریاچه ارومیه و دریاچه‌ها و تالاب‌های مهم نه تنها آینده، بلکه امروز ایران را تهدید می‌کند. مدیریت این بحران‌ها مثل مدیریت بحران‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی از ناعدالتی قومی و مذهبی گرفته تا مسائل مختلف سیاست داخلی و مدیریت اجرایی گرفتار ناکارآمدی است و بحران ناکارآمدی در تعارض با حقوق مصرح مردم در قانون اساسی است. ما به عنوان نیروهای اصلاح‌طلب که خواهان اصلاح نارسایی‌ها و کاستی‌ها و انحراف‌های خواسته و ناخواسته هستیم باید به جامعه متحول و پویای امروز بیندیشیم و با این جامعه و دردها و مطالبات آن همراه باشیم. در این شرایط اصلاح‌طلبان آن‌هم پس از آنچه به گفته سید محمد خاتمی، سیاست‌ورزی مرسوم اگر نگوییم که ممنوع شد، با صخره ستبر بن‌بست مواجه شده است، باید ضمن آنکه در مسائل عدیده پیش رو اصلاح‌طلب می‌مانند بتوانند طرحی نو در اندازند. اصلاح‌طلبان باید بپذیرند پایگاه اصلی قدرت آنها همین مردمی هستند که بیش از هر زمان احساس می‌کنند که حقوقشان نادیده گرفته شده است. گام اول اصلاح‌طلبی همدلی با همین مردم و دفاع از حق آنهاست...»

اصلاح از طریق روشهای مدنی

حسین نورانی‌نژاد



کنگره نهم حزب اتحاد ملت ایران که روز پنجشنبه برگزار شد، کنگره سالانه حزب است که مطابق اساسنامه هر سال در اواخر پاییز و اوایل زمستان برگزار میشود. هر دو سال یکبار هم کنگره‌های اتحاد ملت، انتخاباتی است و در آن دبیر کل، اعضای شورای مرکزی، هیات‌های بازرسی و... انتخاب میشوند. البته کنگره امسال انتخاباتی نبود. پس از 3 کنگره که به دلیل شرایط خاص کرونایی به صورت مجازی برگزار میشد، تصمیم گرفته شد این کنگره به صورت حضوری برگزار شود. با کمک مالی اعضا، نهایتاً پیگیری‌های مرتبط با جا و مکان و نحوه اجرا صورت گرفت، اما متأسفانه مجوزهای قانونی لازم برای برگزاری کنگره، تنها 24 ساعت قبل از برگزاری و همراه با استرس‌ها و نگرانی‌های بسیاری اخذ شد.

این در حالی است که بسیاری از احزاب از امکانات و ظرفیت‌های فراوان دولت بهره‌مند میشوند و به راحتی مجوزهای لازم را اخذ میکنند. اما حزبی در حد و اندازه اتحاد ملت که بدنه اجتماعی وسیعی داشته، صاحب‌گفتمان است و مجوزهای قانونی هم دارد باید تحت فشار فراوان کنگره خود را برگزار کند. نرم این روند باید مورد تجدیدنظر قرار گرفته و احزاب قانونی بتوانند بدون استرس و نگرانی نشست‌ها و جلسات خود را برگزار کنند.

استقبال اعضا و میهمانان از کنگره نهم، شایان توجه بود و نشان داد، حزب تا چه اندازه مورد اقبال فعالان سیاسی و عموم مردم قرار دارد. واقع آن است که حزب اتحاد با بخشی از جامعه نگاه مشترکی دارد، یعنی شرایط موجود کشور را نامطلوب دانسته و به دنبال اصلاح و تغییر آن است. اما این تغییرات را از طریق روش‌های خشونت‌پرهیز و مدنی دنبال میکند. حزب، عقبه سیاسی و گفتمانی مشخص دارد و به

دنبال «ایران برای همه ایرانیان» است. حزب اتحاد ملت به دنبال تحقق دموکراسی، حقوق بشر، اسلام رحمانی و نواندیشی دینی است. توسعه را يك امر ضروري براي ايران دانسته و تحقق آن را در همه ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... جستوجو می‌کند.

همچنین علاوه بر فراگیری، پایداری، عادلانه بودن توسعه را نیز مهم می‌دانیم. زمانی که درباره حقوق بشر صحبت می‌شود، حزب همه ابعاد آن را مهم می‌داند و تلقی‌های يك سویه از حقوق بشر ندارد. همان‌طور که در نطق افتتاحیه کنگره توسط خانم آذر منصوری ارایه شد، باید به موضوعات مختلف از منظر حق اشاره کرد، اینکه شهروند ایرانی چه حقوقی دارد و چگونه می‌تواند بر این حقوق تاکید کند؟ حتی اگر در ابعاد دموکراتیک آن‌گونه که باید و شاید پیشرفت صورت نگرفته باشد، نمی‌توان از يك اتفاق مهم در ایران طی دو الی سه دهه اخیر چشم‌پوشی کرد و آن اینکه شهروند ایرانی خود را محق می‌داند و دیگر با شهروند مکلفی که فقط نگاه کند و دستورات را اجرا کند، مواجه نیستیم. شهروندان محقی هستند که هم حقوق سیاسی و مدنی و هم حقوق اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خود را مطالبه می‌کنند. ما هم در حزب اتحاد ملت، مدافع این‌گونه شهروندان هستیم. يك جامعه قدرتمند که قدرت‌نمایی و رشد آن با حضور يك دولت قدرتمند شکل می‌گیرد. معتقدیم نهاد دولت باید در راستای تامین حقوق ملت تقویت شود.

باید توجه داشت در حزب اتحاد ملت، تنها بحث‌های سیاسی متعارف انجام نمی‌شود و در حوزه حکمرانی و حکومت‌داری در ابعاد مختلف در کمیسیون‌های 7 گانه حزب اتحاد بحث‌های داغ و عمیقی جریان دارد. ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امور زیربنایی، محیط زیست، مسائل زنان، کشاورزی و... از جمله این حوزه‌های کلیدی هستند. مشخصاً در انتخابات 1400 که حزب اتحاد ملت به جد در پی مشارکت در آن بود، برنامه‌ای که حاصل 2 سال تلاش و بررسی کمیسیون‌ها بود تحت عنوان جامعه قدرتمند دولت توانمند ارایه شد. این برنامه در کمیسیون‌ها مورد بررسی قرار گرفته و پیش می‌رود.

در نتیجه نمی‌توان گفت، چشم به قدرت نداریم. پیاده‌سازی این برنامه‌ها با حضور در ساختار قدرت بهتر پیش می‌رود. اما اگر حزب به هر دلیلی نتواند وارد ساختار تصمیم‌ساز اجرایی، تقنینی و... شود، تلاش می‌شود با فعالیت‌های گفتمانی و رسانه‌ای و گفت‌وگو با حاکمیت، جامعه مدنی و نخبگان این برنامه‌ها عرضه شوند. اگر خودمان نتوانیم این برنامه را اجرایی کنیم سایر تصمیم‌سازان و سیاستگذاران را ترغیب به انجام آنها خواهیم کرد.